



مقایسه رفتار سازشی دانش آموزان تیزهوش، عادی و زیر حد متوسط پایه پنجم ابتدائی شهر اصفهان

صغرا اکبری چرمهینی، دکتر جواد اژه‌ای*
دکتر کاظم رسولزاده طباطبائی**

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی ارتباط «رفتار سازشی» و «بهره هوشی»^۱ و همچنین بررسی تفاوت بین «رفتار سازشی» دانش آموزان «تیزهوش»، «عادی» و «زیر حد متوسط» پایه پنجم ابتدائی اصفهان می‌پردازد. به منظور دستیابی به اهداف فوق فرضیه‌های «بین رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزانی که در مدارس ابتدائی عادی تحصیل می‌کنند، همبستگی معناداری وجود دارد» و «بین رفتار سازشی دانش آموزان تیزهوش، عادی و زیر حد متوسط که در مدارس ابتدائی عادی تحصیل می‌کنند، تفاوت معناداری وجود دارد» ارائه گردید. برای بررسی فرضیه‌های فوق ابتدا از بین دانش آموزان پایه پنجم ابتدائی اصفهان (جامعه آماری مورد نظر) به کمک مقیاسهای «هوش ریون بزرگسالان»^۲ و «وکسلر کودکان تجدید نظر شده»^۳ گروههای آزمودنی به روشهای نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای و خوشه‌ای انتخاب شدند. در نهایت «۳ نفر تیزهوش»، «۳ نفر عادی» و «۲۵ نفر دانش آموز زیر حد متوسط به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش علاوه بر مقیاسهای هوش، «مقیاس رفتار سازشی ویژه مدارس عمومی»^۴ بود. به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، از آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای «اسپیرمن»^۵ و آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای «کروسکال-والیس»^۶ استفاده گردید. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که «بین رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزان مدارس ابتدائی عادی» همبستگی معناداری وجود دارد. اما

تفاوت معناداری بین رفتار سازشی دانش آموزان تیزهوش، عادی و زیر حد متوسط که در مدارس ابتدایی عادی تحصیل می‌کردند مشاهده نشد.
کلیدواژه‌ها: رفتار سازشی، تیزهوش، دانش آموزان، مقطع دبیرستان

۱- گستره علمی مسأله مورد بررسی

کنجکاوی و تفکر پیرامون افراد سرآمد و با استعداد سابقه‌ای پس طولانی و دوهزار ساله دارد و احتمالاً به موقعی برمی‌گردد که برای اولین بار انسان علاقه‌مند شد بداند که چرا اشخاص با هم تفاوت دارند. هر روز شاهد انجام تحقیقات گوناگونی بر روی افراد تیزهوش و جنبه‌های مختلف زندگی آنها هستیم. علاقه روز افزون دانشمندان به تحقیق بر روی این افراد حاکی از اهمیتی است که تیزهوشان در پیشرفت زندگی بشر داشته و دارند. در واقع تواناییهای سرشار و قابلیت‌های غنی تیزهوشان است که برای مسائل عمده بشری در سطح جهانی پاسخ مناسب می‌یابد و موجب پیشرفت‌های وسیع و فراگیر در علوم مختلف می‌گردد و از آن جایی که تیزهوشان از جمله منابع ارزشمند یک جامعه به شمار می‌روند، عدم توجه و تشخیص به موقع آنها، هدر دادن منابع ملی یک ملت محسوب می‌شود. در ایران سالانه تعداد زیادی از این کودکان بدون تشخیص و شناسایی به موقع و حتی در صورت شناسایی بدون تخصیص دادن امکانات ویژه و متناسب با سطح هوشی آنها، روانه مدارس عادی می‌شوند و همانند سایر دانش آموزان آموزش داده می‌شوند. وضعیت این دانش آموزان در چنین محیط‌های تحصیلی نیاز به تحقیقات فراوانی دارد. یکی از مؤلفه‌های مهم در زمینه ارتباط کودکان تیزهوش با محیط «رفتار سازشی» و نحوه سازش یافتگی آنان با محیط و افراد می‌باشد.
طبق بررسی‌های انجام شده در مورد «سازش اجتماعی- هیجانی» تیزهوشان سه نظریه زیر ارائه شده است.

الف- نظریه راتوس و نوید (۱۹۹۲)

«راتوس» و «نوید» مکانیزم‌های سازش یافتگی را به عنوان فرایندهایی که افراد برای پاسخ دادن به خواسته‌های محیطی به کار می‌برند، تعریف می‌کنند. مکانیزم‌های

سازش یافتگی موفقیت آمیز به افراد اجازه می دهند که خواسته هایشان را برآورده سازند، برای برآوردن نیازهایشان، محیط را تغییر دهند، رفتارشان را طوری تنظیم کنند که به نتایجی که می خواهند برسند کودکان و نوجوانانی که این ویژگیها را داشته باشند فرایندهای سازش هیجانی و اجتماعی موفقیت آمیزی را نشان می دهند.

ب- الگوی سازگاری لازاروس و فولک من

در حالی که «راتوس» و «نوید» (۱۹۹۲) ویژگیهای افراد سازش یافته را مشخص می کنند، «لازاروس» و «فولک من» (۱۹۸۴) یک الگوی سازش یافتگی را پیشنهاد می کنند که در برگیرنده یک چارچوب ارزیابی شناختی است. چارچوبی که در برگیرنده تغییرات شناختی و کوششهای رفتاری برای اداره و مهار خواسته های درونی و بیرونی است. آنها مکانیزمهای «همسازی تکوینی» و «همسازی اکتسابی» را مطرح و این دو مکانیزم را چنین تعریف می کنند:

«همسازی تکوینی» روشی است که کوششهای شناختی را برای کنار آمدن با خواسته های محیطی به کار می برد. در حالی که «همسازی اکتسابی» کوششهای رفتاری را برای سازش با محیط به کار می برد.

ج- الگوی سازش اجتماعی - هیجانی

«سوا» و «می» در سال ۱۹۹۷ ویژگیهای محیط خانوادگی، مدرسه و گروه همسالان را به چارچوب ارزیابی شناختی در الگوی سازش یافتگی «لازاروس» و «فولک من» اضافه نموده و یک الگوی جدید «سازش اجتماعی - هیجانی» ارائه نمودند. این الگو در برگیرنده ۳ شکل مختلف از محیط خانوادگی است که کودک تیزهوش در آن زندگی می کند. در شکل اول که یک خانواده «کنشی» است کودکان و نوجوانان تیزهوش هم ویژگیهای سازش اجتماعی و هم سازش هیجانی را نشان می دهند. دو شکل دیگر سازش در محیط خانواده، «نارساکنشی» است که افراد یا بر الگوی «سازش اجتماعی» و یا بر الگوی «سازگاری هیجانی» بر یکی تکیه کرده و دیگری را فدا می کنند. در «خانواده کنشی» مکانیزمهای همسازی «اکتسابی» و «تکوینی» همزمان به کار گرفته می شوند و منجر به سازش «اجتماعی» و «هیجانی» کودک تیزهوش می شود ولی در دو نوع دیگر خانواده که «نارساکنشی» هستند

فقط تکیه بر «همسازی اکتسابی» است. در این نوع خانواده‌ها که نظارت شدید بر روی افراد خانواده و تأکید بر احساس تعلق به خانواده کودک را وادار می‌کند تا بگونه‌ای رفتار کند که مورد پسند دیگران واقع شود. در این جا «سازش هیجانی» فدای «سازش اجتماعی» می‌شود.

در نوع دیگر خانواده‌های «نارساکنشی» تکیه بر «همسازی تکوینی» است. اهمیت بیش از اندازه به کودک داده می‌شود، کودک بر دیگر افراد خانواده برتری و تسلط دارد در این جا کودک بیشتر به طرف «سازش هیجانی» سوق داده می‌شود تا سازش اجتماعی. این الگو تأکید بر اهمیت «محیط» بر روی سازش یافتگی فرد تیزهوش دارد.

در بررسی مقایسه رفتار سازشی «تیزهوشان» و «غیرتیزهوشان» سه نوع پژوهش وجود دارد:

نوع اول، پژوهش‌هایی هستند که به مقایسه رفتار سازشی کودکان عادی و تیزهوش پرداخته‌اند. به تحقیقی که «چایلدز» در سال ۱۹۸۱ در زمینه مقایسه رفتار سازشی کودکان عادی و تیزهوش ۵ و ۶ ساله انجام داده است جزء این گروه است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رفتار سازشی «تیزهوشان» به طور معناداری بهتر از «غیرتیزهوشان» می‌باشد. تحقیقات «دویت» (۱۹۹۲) «زنشلیک» و «راست» (۱۹۹۴)، «مزل» و «جیل» (۱۹۹۴)، «کوان» (۱۹۹۲)، نتایج تحقیق «چایلدز» را تأیید می‌کنند.

دسته دوم به مقایسه رفتار سازشی دانش آموزان با سطوح مختلف تیزهوشی پرداخته‌اند نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که افراد «فوق‌العاده تیزهوش» سازش یافتگی کمتری در مقایسه با سایر تیزهوشان از خود نشان داده‌اند. از جمله این تحقیقات به تحقیق «فری من» (۱۹۷۹)، «بن‌باو» و «دایر» (۱۹۹۰) می‌توان اشاره نمود.

دسته سوم به بررسی مقایسه رفتار سازشی افراد تیزهوشی که در «مدارس خاص» و با امکانات و شرایط ویژه و برنامه‌های «غنی سازی شده» تحصیل می‌کنند با افرادی که تحت شرایط خاصی نیستند، پرداخته‌اند.

نتایج این بررسیها نشان می‌دهند که تیزهوشانی که در شرایط خاص بوده و امکانات ویژه‌ای در اختیار داشته‌اند «سازش» بهتری را نسبت به تیزهوشانی که در شرایط عادی آموزش می‌دیدند از خود نشان دادند.

از جمله این پژوهشها، می توان به تحقیقات «بروک» و «لی آنتا» (۱۹۸۷) «توماس» (۱۹۹۳)، «سی ل» و «بروک شایر» (۱۹۹۳)، «لونشتاین» (۱۹۹۲) اشاره کرد. پژوهش جالب توجه دیگری که در این زمینه انجام شده کار «لاندر» و «اشنایدر» در سال ۱۹۹۷ است، آنها ۴ گروه آزمودنی را در ۴ موقعیت متفاوت با هم مقایسه کردند:

۱- «تیزهوشانی» که از برنامه های ویژه تیزهوشان در تمامی زمینه های مورد نیازشان استفاده می کردند.

۲- «تیزهوشانی» که به صورت یک روز در هفته از برنامه های ویژه استفاده می کردند.

۳- «تیزهوشانی» که در یک برنامه ویژه پاره وقت و «غیرتیزهوشانی» که در برنامه های عادی شرکت داشتند.

۴- «تیزهوشانی» که در برنامه خاصی شرکت نمی کردند.

گروه اول بالاترین «رفتاراجتماعی-هیجانی» مثبت را نشان دادند و گروه چهارم کمترین میانگین در زمینه درون دادهای اجتماعی-هیجانی که لازمه یک سازش یافتگی خوب است را کسب کردند.

با توجه به تحقیقات انجام شده در زمینه سازش یافتگی تیزهوشان و با توجه به اینکه مدارس ابتدایی خاص تیزهوشان و یا تیزهوشانی که در شرایط خاص در مقطع ابتدایی تحصیل کنند در ایران وجود ندارد، این پژوهش به بررسی مقایسه ای رفتار سازشی تیزهوشان و غیر تیزهوشانی می پردازد که در مدارس ابتدایی عادی می باشند.

لازم به یادآوری است بعد از پایه پنجم ابتدایی امکان حضور در مدارس نمونه دولتی و استعدادهای درخشان برای دانش آموزان وجود دارد. چنانچه این مطالعه در پایه های اول و دوم ابتدایی نیز صورت پذیرد بررسی عینی تری در ارتباط با سازش آموزان با استعداد بالا که در مدارس عادی مشغول تحصیل هستند صورت خواهد گرفت.

۲- فرایند روش شناختی

۱-۲- اهداف و فرضیه ها

هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین «سطوح مختلف هوشی» و «رفتار سازشی» دانش آموزان پایه پنجم مدارس ابتدایی عادی و همچنین بررسی تفاوت بین رفتار

سازشی در سطوح مختلف هوشی این دانش آموزان می باشد علاوه بر این اهداف زیر را نیز می توان برای این پژوهش مطرح نمود:

۱- بررسی تأثیر آموزش در مدارس معمولی بر روی ارتباط بهره هوشی و رفتار سازشی دانش آموزان تیزهوش، عادی و زیر حد متوسط.

۲- دستیابی به اطلاعات دقیق تر برای مشخص کردن تأثیر تحصیل دانش آموزان تیزهوش در مدارس ابتدایی عادی و بدون امکانات آموزشی ویژه تیزهوشان بر روی رفتار سازشی آنها.

با توجه به هدفهای ذکر شده و با در نظر گرفتن تحقیقات پیشین در قلمرو موضوع مورد بررسی، فرضیه های زیر تدوین گردیدند:

۱- بین رفتار سازشی و سطوح مختلف هوشی دانش آموزانی که در مدارس ابتدایی عادی تحصیل می کنند، همبستگی معنی داری وجود دارد.

الف- بین رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزان تیزهوش که در مدارس ابتدایی عادی تحصیل می کنند همبستگی معناداری وجود دارد.

ب- بین رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزان عادی که در مدارس ابتدایی عادی تحصیل می کنند همبستگی معنی داری وجود دارد.

ج- بین رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزانی که از نظر توانمندی هوشی زیر حد متوسط قرار دارند همبستگی معنی داری وجود دارد.

۲- بین رفتار سازشی دانش آموزان تیزهوش، عادی و زیر حد متوسطی که در مدارس ابتدایی عادی تحصیل می کنند تفاوت معنی داری وجود دارد.

رتال جامع علوم انسانی

۲-۲- جامعه آماری، نمونه مورد آزمایش و روش انتخاب نمونه

جامعه آماری این پژوهش از مجموع دانش آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی نواحی پنجگانه آموزش و پرورش اصفهان تشکیل شده است. نمونه گیری این تحقیق در دو مرحله انجام گرفت:

الف - مرحله اول: از بین مناطق پنجگانه آموزش و پرورش شهر اصفهان و با توجه به نسبت جمعیت دانش آموزی در این مناطق تعداد ۲۵۰۰ نفر به روش تصادفی طبقه ای و

خوشه‌ای انتخاب شدند (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی از نظر فراوانی و درصد نمونه مورد بررسی در سال ۱۳۷۷-۷۸

| جمع | پسر | | دختر | | جنس / ناحیه شاخص |
|------|------------|-------|------------|-------|------------------|
| | درصد از کل | تعداد | درصد از کل | تعداد | |
| ۲۲۰ | ٪۵ | ۱۲۰ | ٪۴ | ۱۰۰ | ۱ |
| ۳۱۰ | ٪۶/۵ | ۱۶۰ | ٪۶ | ۱۵۰ | ۲ |
| ۵۴۵ | ٪۱۱/۸ | ۲۹۵ | ٪۹/۸ | ۲۵۰ | ۳ |
| ۷۶۰ | ٪۱۵ | ۳۷۵ | ٪۱۵/۳ | ۳۸۵ | ۴ |
| ۶۶۵ | ٪۱۴ | ۳۵۰ | ٪۱۲/۶ | ۳۱۵ | ۵ |
| ۲۵۰۰ | ٪۵۲ | ۱۳۰۰ | ٪۴۸ | ۱۲۰۰ | جمع |

ب) مرحله دوم: پس از انتخاب گروه نمونه در مرحله اول، کلیه افراد مورد ارزیابی قرار گرفتند و براساس نمرات بهره هوشی بدست آمده به ۴ گروه تقسیم شدند (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع فراوانی گروه نمونه براساس طبقه بندی بهره هوشی

| جمع | بهره هوشی، ۱۳ سال به بالا | | | | شاخصها |
|------|---------------------------|--------|---------|------|---------|
| | ۸۵ به پایین | ۸۵-۱۱۵ | ۱۱۵-۱۳۰ | بالا | |
| ۲۵۰۰ | ۱۶۵ | ۱۴۴۹ | ۷۹۶ | ۹۰ | فراوانی |
| ٪۱۰۰ | ٪۶/۶ | ٪۵۷/۹۶ | ٪۳۱/۸۲ | ٪۳/۶ | درصد |

بعد از اجرای آزمون دوم، گروه نمونه نهایی به شرحی که در جدول ۳ آمده انتخاب شدند.

جدول ۳- توزیع فراوانی گروه نمونه نهایی براساس بهره هوشی

| جمع | بهره هوشی | | | | شاخصها |
|------|---------------------------|--------------|---------------------|--------|---------|
| | زیر حد متوسط، ۸۵ به پایین | عادی، ۸۵-۱۱۵ | بزرگوش، ۱۳۰ به بالا | بزرگوش | |
| ۸۵ | ۲۵ | ۳۰ | ۳۰ | ۳۰ | فراوانی |
| ٪۱۰۰ | ٪۲۹/۴ | ٪۳۵/۳ | ٪۳۵/۳ | ٪۳۵/۳ | درصد |

۳-۲- ابزارهای پژوهشی و روش گردآوری داده‌ها

در این تحقیق برای تعیین بهره هوشی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی از آزمونهای هوش ریون بزرگسالان (نرم اصفهان) و «وکسلر کودکان تجدید نظر شده» (۱۳۷۴) استفاده گردید.

به منظور بررسی رفتار سازشی آزمودنیها از مقیاس رفتار سازشی ویژه مدارس عمومی استفاده شد. این آزمون توسط بیلاقی در سال ۱۳۷۴ در اهواز، هنجارگزینی شده است. این آزمون، رفتار فرد را در ۱۱ حیطه رفتارهای سازش نایافته مورد بررسی قرار می دهد. به عبارت دیگر نمرات بدست آمده در این آزمون حاکی از وجود مواردی از رفتار سازش نایافته در ۱۱ حیطه مطرح شده می باشد.

۲-۴ طرح تحقیق و روشهای تحلیل دادهها

طرح استفاده شده در این پژوهش از نوع طرح «همبستگی»^۳ است. برای تحلیل دادههای بدست آمده از روش تجزیه و تحلیل واریانس رتبه‌ای «کروسکال-والیس» و آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای «اسپیرمن» استفاده شده است.

۳- نتایج تحلیل آماری و توصیف دادهها

تحلیل آماری دادهها در مورد فرضیههای مورد بررسی به نتایجی که در پی می آیند منتهی شده است، در وهله نخست از لحاظ همبستگی پس از محاسبه نمرات بهره هوشی و رفتار سازشی، همبستگیهای بدست آمده بین بهره هوشی و نمرات آزمون رفتار سازشی در ۳ گروه تیزهوش، عادی و زیر حد متوسط معنادار بودند (جدول ۴)، بطوریکه همبستگی بین نمرات آزمون رفتار سازشی و بهره هوشی گروه تیزهوش برابر با $0/51+$ بدست آمد که بزرگتر از سطح معنادار بودن ضریب همبستگی رتبه‌ای $(0/306)$ با $\alpha = 0/05$ و $n = 30$ می باشد. از طرفی نتایج آزمون t معنادار بودن ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن نشان می دهد که $t_{ob} = 3/13$ بزرگتر از $t_{cr} = 2/045$ با $\alpha = 0/05$ و $df = 29$ می باشد $(\alpha = 0/05)$ و $df = 29$ و $t_{cr} = 2/045$ بنابراین این همبستگی بین دو متغیر رفتار سازشی و بهره هوشی در هر گروه تیزهوش معنادار است.

همبستگی بدست آمده بین نمرات آزمون رفتار سازشی و بهره هوشی گروه عادی برابر با $0/38-$ است که بزرگتر از سطح معنادار بودن ضریب همبستگی رتبه‌ای $(0/306-)$ با $\alpha = 0/05$ و $n = 30$ می باشد.

همچنین نتایج آزمون t معنادار بودن ضریب همبستگی رتبه‌ای را نشان می دهد که $t_{ob} = 2/17$ که بزرگتر از $t_{cr} = 2/045$ با $\alpha = 0/05$ و $df = 29$ می باشد $(\alpha = 0/05)$ و $df = 29$

گروه عادی معنادار است. $(t_{ob} = 2/17 > t_{cr} = 2/045)$. لذا همبستگی بین دو متغیر رفتار سازشی و بهره هوشی در

همبستگی بدست آمده بین نمرات آزمون رفتار سازشی و بهره هوشی گروه زیر حد متوسط برابر با $0/43-$ است که بزرگتر از سطح معنادار بودن ضریب همبستگی رتبه‌ای $(0/337)$ با $\alpha = 0/05$ و $n = 25$ می‌باشد. همچنین نتایج آزمون t معنادار بودن ضریب همبستگی رتبه‌ای نشان می‌دهد که $t_{ob} = 2/28$ بزرگتر از $t_{cr} = 2/064$ با $\alpha = 0/05$ و $df = 24$ می‌باشد $(df = 24$ و $\alpha = 0/05)$. لذا همبستگی بین دو متغیر رفتار سازشی و بهره هوشی در گروه زیر حد متوسط معنادار است (جدول ۴).

جدول ۴- خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن بین نمرات آزمون رفتار سازشی و بهره هوشی گروه تیزهوش عادی و زیر حد متوسط

| گروهها | ناحصرها | r | α | df | t_{ob} | t_{cr} | سطح معنادار بودن | π |
|--------------|---------|------|----------|----|----------|----------|------------------|-------|
| تیزهوش | + | 0/51 | 0/05 | 29 | 3/13 | 2/045 | 0/306 | 30 |
| عادی | - | 0/38 | 0/05 | 29 | 2/17 | 2/025 | 0/306 | 30 |
| زیر حد متوسط | - | 0/43 | 0/05 | 24 | 2/28 | 2/064 | 0/337 | 25 |

در وهله دوم نتایج بدست آمده از مقایسه نمرات رفتار سازشی گروه آزمودنی حاکی از عدم تفاوت معنادار بین رفتار سازشی دانش آموزان تیزهوش، عادی و زیر حد متوسطی است که در مدارس ابتدایی عادی تحصیل می‌کنند (جدول ۵)

جدول ۵- خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای کرسکال - وایس رتبه‌های گروه تیزهوش، عادی و زیر حد متوسط در آزمون رفتار سازشی

| گروهها | ناحصرها | α | df | H_{ob} | $1 - \frac{\chi^2 k}{(N - N)}$ | H_{ob} | H_{ob} | سطح معنادار |
|--------------|---------|----------|----|----------|--------------------------------|----------|----------|-------------|
| تیزهوش | + | 0/05 | 2 | 0/44 | 0/997 | 0/441 | 0/441 | 0/99 |
| عادی | - | 0/05 | 2 | 0/44 | 0/997 | 0/441 | 0/441 | 0/99 |
| زیر حد متوسط | - | 0/05 | 2 | 0/44 | 0/997 | 0/441 | 0/441 | 0/99 |

۴- بحث و تحلیل نتایج

بحث در باره نتایج بدست آمده ابتدا به بررسی و تحلیل نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه اول و در نهایت به تحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم می‌پردازد.

□ نتایج حاصل از اجرای آزمون معنی دار بودن ضریب همبستگی بین نمرات رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزان تیزهوش، عادی و زیر حد متوسط پایه پنجم ابتدایی عادی نشان دهنده وجود همبستگی معتادار بین رفتار سازشی و بهره هوشی این دانش آموزان می‌باشد.

○ در قسمت «الف» فرضیه اول بیان می‌کند که: «بین رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزان تیزهوش که در مدارس ابتدایی عادی تحصیل می‌کنند همبستگی معتاداری وجود دارد» همبستگی بدست آمده برابر با $+0/51$ است که در سطح $\alpha = 0/05$ و $\pi = 30$ معنی دار می‌باشد در واقع می‌توان نتیجه گرفت که هر چقدر بهره هوشی دانش آموزان تیزهوش افزایش پیدا کرده موارد سازش نایافتگی بیشتری در آنها مشاهده شده است. نتایج فوق با نتایج تحقیق «دایر» و «آستین» (۱۹۸۱)، «بن باو» و «دایر» (۱۹۹۰)، و «فلمن» و «گلداسمیت» (۱۹۸۶) و «فری من» (۱۹۷۹) همخوانی دارد براساس این تحقیقات، دانش آموزان تیزهوش با دانش آموزان بسیار تیزهوش مقایسه شدند و آنها دریافتند که افراد فوق العاده تیزهوش در مقایسه با افراد تیزهوش سازش یافتگی خوبی را نشان نمی‌دهند. همچنین تحقیقی که توسط «سیلورمن» در سال ۱۹۹۳ انجام شده حاکی از آن است که دانش آموزان «بسیار

تیزهوش» به طور خاصی با مشکلات اجتماعی روبرو هستند. با توجه به تحقیقات انجام شده در زمینه سازش یافتگی، تأثیر محیط را بر روی سازش یافتگی نمی‌توان نادیده گرفت. کلیس «در سال ۱۹۸۷ طی تحقیقاتی بیان می‌کند که برای سازش پیدا کردن کودک با محیط باید بین او و «محیط» تناسب وجود داشته باشد.

به طور کلی می‌توان گفت محیطی که فرد را احاطه کرده در سازش او بی تأثیر نیست. دانش آموز تیزهوش مقطع ابتدایی در ایران از امکانات ویژه یا برنامه‌هایی که خاص آنهاست و متناسب با سطح بهره هوشی بالا باشد برخوردار نیستند. حال آنکه تحقیقات از جمله تحقیقی که «لاندو» و «اشنایدر» (۱۹۹۷) بر روی ۴ گروه دانش آموزان تیزهوش و غیر تیزهوش انجام داده‌اند مبین این نتیجه است که وجود برنامه‌های «غنی‌سازی» شده

برای تیزهوشان در افزایش سطح سازش یافتگی آنها بسیار مؤثر است. در این تحقیق تیزهوشانی که در برنامه ویژه ای شرکت نمی کردند نسبت به تیزهوشانی که در برنامه ویژه شرکت می کردند، درون داده های اجتماعی - هیجانی مثبت بسیار کمتری داشتند. از آنجائیکه در این تحقیق وجود درون داده های اجتماعی - هیجانی مثبت لازمه یک سازش یافتگی خوب است، دانش آموزان تیزهوش برنامه ویژه، بالاترین حد رفتار اجتماعی - هیجانی مثبت را نشان دادند. همچنین تحقیقی که «بروک» و «لی آتیا» در سال ۱۹۸۷ بر روی دانش آموزان تیزهوش ۹ تا ۱۱ ساله انجام داده اند نشان می داد که دانش آموزانی که از امکانات خاصی برخوردار بودند نسبت به آنها یک چنین امکاناتی در اختیار نداشتند سازش بهتری را نشان دادند. در نهایت می توان گفت عدم وجود برنامه ها و شرایط متناسب با سطح بهره هوشی تیزهوشان می تواند عامل مؤثری در افزایش رفتار سازش نیافته دانش آموزان تیزهوش باشد که در مدارس ابتدایی عادی تحصیل می کنند.

○ قسمت «ب» فرضیه اول بیانگر این نکته است که: «بین رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزان عادی مدارس ابتدایی عادی همبستگی معناداری وجود دارد». همبستگی بدست آمده در مورد این گروه برابر با $0/38$ - است که در سطح آلفای $0/05$ و $n=30$ معنادار می باشد. یعنی با بالا رفتن بهره هوشی این گروه از نمره سازش نیافتگی رفتارشان کاسته شده است. نتیجه این فرضیه با نتایج تحقیقی که توسط «سوی ریجین» در سال ۱۹۹۱ بر روی گروه سنی ۲ تا ۱۶ سال انجام شده است همخوانی دارد. طی این تحقیق رفتار سازشی گروههایی با سطوح مختلف هوشی بررسی شده و نتایج حاکی از همبستگی مثبت بین هوش و رفتار سازشی است. با بالا رفتن بهره هوشی، رفتار سازش یافته نیز افزایش و رفتار سازش نیافته کاهش می یابد که پژوهش حاضر نیز به چنین نتیجه ای در رابطه با دانش آموزان عادی دست پیدا کرده است.

○ قسمت «ج» فرضیه اول پی گیر این مطلب می باشد که: «بین رفتار سازشی و بهره هوشی دانش آموزان زیر حد متوسط مدارس ابتدایی عادی همبستگی معناداری وجود دارد». همبستگی بدست آمده در مورد این گروه برابر است با $0/43$ - که در سطح آلفای $0/05$ و $n=25$ معنادار می باشد. یعنی با بالا رفتن بهره هوشی در این گروه رفتار سازش یافته نیز افزایش

پیدا کرده است. از آنجائیکه «انجمن کودکان عقب مانده ذهنی آمریکا»^{۳۲} نقصه‌هایی در کنش هوش و رفتار سازشی را به عنوان دو معیار تشخیص عقب ماندگی ذهنی بکار می‌برد و انجمن فوق بر روی رفتار سازشی به عنوان ملاکی جهت تشخیص عقب ماندگی ذهنی تأکید دارد، این امر خود مؤید این نتیجه است که با کاهش بهره هوشی، رفتار سازش یافته نیز کاهش پیدا می‌کند طبق تحقیق «مرسر» در سال ۱۹۸۷ دانش آموزانی که هوش پائینتری دارند نسبت به افراد عادی «خودپنداره» ضعیف‌تری را دارا می‌باشند و این خود پنداره ضعیف می‌تواند مشکلاتی را در تجارب اجتماعی و رفتاری ایجاد کند.

□ نتایج حاصل از اجرای آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای «کروسکال-والیس» در مورد نمرات رفتار سازشی ۳ گروه دانش آموزان تیزهوش، عادی و زیر حد متوسط پایه پنجم ابتدایی مدارس عادی نشان دهنده عدم تفاوت معنادار بین ۳ گروه از لحاظ رفتار سازشی است.

نتایج این تحقیق با بسیاری از تحقیقات که حاکی از وجود تفاوت معنادار بین رفتار سازشی تیزهوشان و غیر تیزهوشان می‌باشد تطابق ندارد. از جمله این تحقیقات، پژوهشی است که توسط «چابلدز» (۱۹۸۱) انجام گرفت که طی آن رفتار سازشی کودکان عادی و تیزهوش ۵ و ۶ ساله را مورد مقایسه قرار داده است، نتایج بررسی «چابلدز» نشان می‌دهد بطور معناداری نمرات رفتار سازشی تیزهوشان بهتر می‌باشد، همچنین نتایج تحقیقات «دویت» (۱۹۹۲)، «زشلیک»، «راست» (۱۹۹۴)، «مرل» و «جیل» (۱۹۹۴)، «کوان» (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که سازش یافتگی افراد تیزهوش نسبت به غیر تیزهوشان بهتر بوده است. در مجموع باید توجه داشت که رفتار سازشی به عنوان یک متغیر مستقل در ۳ گروه با سطوح مختلف بهره هوشی او یا ابزاری سنجیده شده که ویژه مدارس عادی بود. در اینجا نیاز به ابزارهایی برای بررسی رفتار سازشی متناسب با سطح هوشی افراد در کشورمان احساس می‌شود. از طرفی بررسی رفتار سازشی در تیزهوشان مدارس ابتدایی عادی نیاز به تحقیقات گسترده‌تری دارد که شناسایی این دانش آموزان در وهله نخست به علت عدم تفکیک آنها کاری بس دشوار می‌باشد.

یاداشتها:

- | | |
|--|-------------------------------|
| 1- Adaptive behavior | 2- Intelligence Quotient (IQ) |
| 3- Giftedness | 4- Normal |
| 5- Under the average | 6- Raven |
| 7- Wechsler Intelligence Scale for Children Revise (WISC- R) | |
| 8- Adaptive Behavior Scale (Public School Version) | |
| 9- Process adjustment | 10- Achievement adjustment |
| 11- Functional | 12- Dysfunctional |
| 13- American Association of Mental Deficiency (AAMD) | |

منابع:

- Childs, R. E. (1981). *A comparison of the adaptive behavior of normal and gifted five and six Year old children. Roeper Review*, Vol. 4, No. 2, P (41-43)
- Compas, B. E. (1987). *Coping with stress during childhood and adolescence. Psychological Bulletin*, Vol. 101, P (393-401).
- Czechlick, I., Rost, D. H. (1994). *Socio- emotional adjustment in elementary school boys and girls. Roeper Review*, Vol. 17, No. 2, P (145)
- Douthitt, r. C. (1992). *A comparison adaptive behavior in gifted and nongifted children. Roeper Review*, Vol. 14, No. 3.
- Freeman, J. (1979). *Gifted Children: Their Identification And Development in A Social Context. London: M, T. P. Press Ltd.*
- Kwan, P. (1992). *On apedestal: Effects of intellectuall giftedness and some implications for Programme Planing. Educationnl Psychology*, Vol. 22, No. 1, P(37-62)
- Londo, B. Z., Schnieder, B. H. (1997). *Intellectual contributions and mutual support among development advanced children in homogeneous and heterogeneous work/Discussion Grophs. Gifted Child Quarterly*, Vol. 41, No. 2, P(44-57)
- Lazarus, R. S., Folkman, S. (1984). *Stress appraisal and coping. New York: Springer.*
- Lowenstein, Ludwings, F. (1993). *Diagnosing and treating the problems of able maladjusted*

- children. *European Journal For High Ability*. Vol. 4, P(142-151)
- Lustber, R. etal (1990). *A model using the WISC-R to predict success in Programs for gifted students. Psychology in the Schools*, Vol. 27, No. 2. P(126-131)
- Mercer, C. D. (1987). *Students With Learning Disabilities*, 3rd Ed. Columbus. OH: Merrill
- Merrell, K. W., Gill, S. J. (1994). *Using teacher ratings of social behavior to differentiate gifted from non-gifted students Roeper- Review*, Vol. 16, No. 4. P(286-289)
- Rathus, S. A. Nevid, J. S. (1989). *Psychology and the Challenges of Life: Adjustment and Growth* (4th ed). Fort Worth, TX: Holt, Rinehart, and Winston.
- Sayler, M. F., Brookshire, W. K. (1993). *Social, emotional and behavioral adjustment of accelerated students*, Vol. 37, No. 4. P(1150-154)
- Sowa, C. J., May, K. M. (1997). *Expanding Lazarus and Folkman's paradigm to the social and emotional adjustment of gifted children and adolescents. Gifted Child Quarterly*, Vol. 41, No. 2. P(36-43)
- Swearingen, D. L. (1991). *Adaptive behavior as a unique variable in the assessment of gifted children. Paper Presented the Annual Meeting of the American Education Research*. (72 nd. Chicago, IL, April 3-7, 1991).
- Thomas, T. A. (1993). *The Achievement and Social Adjustment of Accelerated Students: The Impact of Academic Talent Search After Seven Years*.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی